

سفر مانویل کاستلز به ایران

گزارشگر: مریم منیری

وی در قسمتی از سخنانش گفت: «من واقعاً علاقه مندم که راجع به وضعیت فعلی زنان در ایران بیش تر بدانم؛ به خصوص در مورد زنان شاغلی که نقش های کلیدی را در جامعه ایفا می کنند. بسیاری از دوستان مسلمان من می گویند یک مفهوم از فمینیسم اسلامی را مطرح کنند و من می خواهم بدانم، آیا چنین جنبش هایی در ایران وجود دارند یا نه. می خواهم راجع به فرهنگ های گوناگون بیش تر بدانم و به همین دلیل، به کشورهای مثل ایران مسافرت می کنم تا تصویری که قبلاً از طریق رسانه های جمعی جهانی داشتم، تصحیح شود.»

این موضوعات که بیش تر حول و حوش فمینیسم در ایران بود، در میان حاضران در جلسه مطرح و گفته شد که قوانین موجود در ایران، زنان را به هیچ وجه محدود نمی کند و آن ها می توانند در جامعه آزادانه اعمالی را در

تحقیق، موطن خویش، دانشگاه بارسلونا را برگزیده است. در حلقه های علمی به لقب «استاد استادان» شهرت دارد.

کاستلز در طول اقامت کوتاه خود در ایران در «خبرگزاری میراث فرهنگی»، در یک کنفرانس مطبوعاتی نمایندگان رسانه های ایران حضور یافت. قبل از شروع کنفرانس مطبوعاتی، در دیداری دوستانه با رئیس خبرگزاری میراث فرهنگی و تعدادی از کارکنان این خبرگزاری، موضوع «نقش زنان در توسعه»، به خصوص در جوامع در حال توسعه را به بحث گذاشت. وی معتقد بود که دو عامل بیش ترین کمک را به توسعه ی کشور می کنند: زنان و رسانه ها. وی از دیدن مشارکت فعال زنان در حوزه های گوناگون اجتماعی در ایران بسیار تحت تأثیر قرار گرفته بود. به علاوه، این واقعیت که خبرگزاری میراث فرهنگی را یک زن اداره می کند، برای وی بسیار جالب بود. در کل، موضوعاتی در ارتباط با جایگاه و منزلت زنان در ایران، برایش بسیار جالب بود و مدام راجع به این موضوع با اعضای خبرگزاری صحبت می کرد.

روز سوم خرداد ۱۳۸۵، آقای پروفیسور مانوئل کاستلز، جامعه شناس پرآوازه و نویسنده ی «سه گانه ی عصر اطلاعات»، در سفری کوتاه به ایران، با عده ای از استادان، محققان و متخصصان حوزه ی مطالعات ارتباطی و اجتماعی در دانشگاه تهران و دانشکده ی علامه طباطبایی و انجمن جامعه شناسی ایران دیدار کرد.

مانویل کاستلز، متولد سال ۱۹۴۲ در شهر هلین آکباستای اسپانیا، در جنبش دانشجویی مخالف فرانکو مشارکت فعال داشت و به دلیل همین گرایش به فعالیت سیاسی، مجبور به فرار از کشورش شد. وی در پاریس تحصیلاتش را در سن ۲۰ سالگی به پایان برد. پس از این که درجه ی دکترای جامعه شناسی خود را از دانشگاه پاریس اخذ کرد، در فاصله ی سال های ۱۹۶۷ تا ۱۹۷۹، ابتدا در «دانشگاه نانت» (که وی بعد از اعتراضات دانشجویی سال ۱۹۶۸ از آن اخراج شده بود) و سپس از سال ۱۹۷۰ تا ۱۹۷۹ در مدرسه ی عالی علوم انسانی به تدریس پرداخت. در سال ۱۹۷۹، وی به عنوان استاد جامعه شناسی و استاد برنامه ریزی شهری و منطقه ای در «دانشگاه برکلی کالیفرنیا» منصوب شد. در سال ۲۰۰۱، به عضویت هیأت علمی پژوهشی دانشگاه کاتالونیای بارسلونا درآمد. در سال ۲۰۰۳، به عنوان استاد علوم ارتباطات و رئیس دپارتمان ارتباطات و فناوری به دانشگاه کالیفرنیا جنوبی ملحق شد. وی عضو پایه گذار «مرکز دیپلماسی عمومی» دانشگاه کالیفرنیا جنوبی، عضو ارشد شورای علمی مرکز دیپلماسی عمومی، و همچنین عضو شبکه ی پژوهشی ارتباطات بین الملل است و در بارسلونا و سانتامونیکا در کالیفرنیا زندگی می کند. مانوئل کاستلز، استاد اسپانیایی الاصل رشته ی برنامه ریزی در دانشگاه برکلی، اکنون برای تدریس و



وجود دارد و هر ثانیه یک وبلاگ جدید در دنیا متولد می‌شود. با «لینک»هایی که از هر وبلاگ به وبلاگ دیگر و به دیگر رسانه‌ها ایجاد می‌شود، افراد با هم ارتباط برقرار می‌کنند و به اطلاعات مورد نیازشان دست می‌یابند. و یا جوان‌ها از طریق لینک‌ها به روزنامه‌ها دسترسی پیدا می‌کنند. هرچند این درست است که آنچه ما در وبلاگ‌ها می‌خوانیم، ضرورتاً معتبر نیست، اما باید به یاد داشته باشیم، مهم‌ترین کارکرد وبلاگ‌ها این است که آن‌ها انحصار ارتباطی روزنامه‌ها، تلویزیون‌ها و رادیوها را از بین می‌برند. امروزه برای اولین بار در تاریخ، مردم می‌توانند خودشان از طریق وبلاگ‌ها با هم ارتباط برقرار کنند؛ بدون آن که توسط رسانه‌های دیگر کنترل شوند. در کنار وبلاگ، شکل جدیدی از ارتباط جمعی هم از طریق ارتباطات سیار ایجاد شده که باید آن را به عنوان یک انقلاب تلقی کرد. من قضاوت نمی‌کنم که این موضوع خوب است یا بد، بلکه می‌گویم، این شکل جدید ارتباطی جهان را متحول خواهد کرد.»

در پاسخ به سؤال یکی از روزنامه‌نگاران در مورد مدل توسعه در کشور ما، پرفسور کاستلز گفت: «تفکر مردم، جهان را تغییر می‌دهد و هیچ مدل توسعه‌ای وجود ندارد که در همه‌ی کشورهای یکسان عمل کند. هر کشوری سیاست خاص خود را مبتنی بر آنچه که تصمیم می‌گیرد، خواهد داشت و هر کشوری خود باید تصمیم بگیرد که چه شکلی از توسعه را می‌خواهد داشته باشد. من معتقدم، ایران این پتانسیل را دارد که بهترین راه توسعه را پیدا کند.»

وی همچنان گفت: «مهم‌ترین عامل در توسعه، کیفیت یا ویژگی حکومت یا دولت است. حکومت باید سالم و کارآمد باشد و به نیازهای مردم توجه کند. مسائلی که برخی از کشورهای در حال توسعه دارند، به

ببینند. هرکس در واقعیت رسانه‌ای زندگی می‌کند. به عبارت دیگر، این تصور که مردم راجع به جهان و حتی راجع به کشور خودشان دارند، تا حد زیادی ناشی از رسانه‌هاست. پس حتی اگر رسانه‌ها واقعیت را منعکس نکنند، این واقعیت را می‌سازند و بنابراین، مردم مجبورند در این واقعیتی که رسانه‌ها ایجاد کرده‌اند، زندگی کنند.

در کنفرانس مطبوعاتی که به دنبال این جلسه‌ی دوستانه برگزار شد، آقای کاستلز مشتاقانه به سؤالات زیادی که از سوی خبرنگاران مطبوعات ایران و همچنین تلویزیون ملی (صدا و سیما) مطرح می‌شد، پاسخ داد. او راجع به اهمیت رسانه و وبلاگ‌ها در دنیای امروز گفت: «ما هیچ تحقیق سیستماتیکی روی وبلاگ‌ها نداریم، ولی اهمیت وبلاگ‌ها به خاطر تعدادشان نیست. براساس اطلاعاتی که من دریافت کرده‌ام، در ایران بیش از نیم میلیون وبلاگ وجود دارد. مهم‌ترین مسأله از این لحاظ، پیوندی است که بین وبلاگ‌ها با همدیگر و با دیگر منابع اطلاع‌رسانی ایجاد می‌شود. در دنیا حدود ۲۹ میلیون وبلاگ

واقع محدودیت‌هایی که وجود دارند، بیش‌تر به ذهنیت سنتی خانوادگی ایرانی برمی‌گردد.

مسأله‌ی پوشش اسلامی زنان مطرح شد و آقای کاستلز می‌خواست بیش‌تر بداند که آیا حجاب اسلامی محدودیتی برای زنان در مشارکتشان در جامعه ایجاد می‌کند یا نه. بیش‌تر زنان حاضر در جمع معتقد بودند، حجاب اسلامی به هیچ وجه مانعی برای مشارکت کامل آنان در جامعه نیست و اصلاً در حال حاضر دغدغه‌ی اصلی زنان ایرانی این نیست؛ چرا که مسائل بسیار مهمی باید حل شود. تعداد زیاد زنان وارد شده به دانشگاه‌ها در ایران و حضورشان در موقعیت‌های کلیدی، دلیلی بر این ادعاست. همچنین، تغییر در موقعیت زنان در ایران امروز و تغییر وضعیت آنان، از جمله موضوعاتی بود که در این جلسه مطرح شد. با توجه به تأثیر رسانه‌ها روی مردم، کاستلز معتقد بود، این مردم هستند که تعریف می‌کنند، چه رسانه‌ای به آن‌ها ارائه شود. چون آن‌ها می‌خواهند، آنچه را که دوست دارند، از طریق رسانه‌ها بشنوند یا

دولت‌ها و حکومت‌های فاسدشان برمی‌گردد. البته من براساس تحقیقم صحبت می‌کنم و نمی‌گویم که دولت‌ها باید چه کنند.»

در پاسخ به سؤالی که راجع به موقعیت ایران در دنیای اطلاعاتی امروز پرسیده شد، کاستلز گفت: «تصویر ایران را در سراسر جهان مخدوش کرده‌اند. بنابراین رسانه‌های ایران مسؤولیت سنگینی دارند که یک پل ارتباطی ایجاد کنند و بکشند که تصویر واقعی را به دنیا نشان دهند. من وقتی متوجه

من وقتی متوجه شدم که ۴۵ هزار عنوان کتاب هر سال در ایران منتشر می‌شود، بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم. این آمار حتی از آمار اسپانیا هم بیش‌تر است و به فرانسه نزدیک می‌شود

شدم که ۴۵ هزار عنوان کتاب هر سال در ایران منتشر می‌شود، بسیار تحت تأثیر قرار گرفتم. این آمار حتی از آمار اسپانیا هم بیش‌تر است و به فرانسه نزدیک می‌شود. این نشان می‌دهد که ایران کشوری است که به ارتباطات و آموزش و پرورش توجه خاصی دارد. در مورد اشاعه‌ی رسانه‌ها من باید بگویم، ایران خیلی سریع‌تر از کشورهای درحال توسعه‌ی دیگر در این زمینه رشد دارد و سریع‌تر عمل می‌کند. ولی راجع به ارتباطات بسیار که وسیله‌ی در حال توسعه‌ای است، در حال حاضر اقدامات بسیار بیش‌تری در این کشور باید صورت بگیرد.»

مانوئل کاستلز، در مورد آخرین کتاب خود که در نوامبر سال ۲۰۰۶ چاپ خواهد شد، مختصر توضیحی داد. نام کتاب او «ارتباطات سیار و جامعه در چشم‌انداز جهانی» است. او در پاسخ به سؤالی در مورد نقش اینترنت در توسعه و سلطه‌ی آن در کشورهای در حال توسعه گفت: «در سال ۲۰۰۰، ۶۲ درصد کاربران اینترنت از آمریکای شمالی بودند، ولی در حال حاضر این نسبت به ۲۸ درصد رسیده است. یعنی از اینترنت، کاربرانی از کشورهای درحال توسعه استفاده می‌کنند. شکاف دیجیتال اصلی در هر کشور در دنیای امروز، شکاف سنی است. در میان جمعیت جوان زیر ۳۰ سال، استفاده از اینترنت به شدت در حال توسعه است. در اسپانیا، ۷۸ درصد کاربران اینترنت زیر ۳۰ سال هستند، در حالی که افراد بالای ۵۰ سال، تقریباً ۱۰ درصد کاربران اینترنت را تشکیل می‌دهند. در برخی از کشورهای توسعه‌یافته مثل فنلاند، برنامه‌های ویژه‌ای برای آموزش افراد و تولید ارتباطات در میان نسل‌ها را دنبال می‌کنند. در مورد بزرگسالی که روی کشش بود، آقای کاستلز پرسید: «آیا می‌دانید این بزرگسالی و آیا کسی می‌تواند توضیح دهد؟» بعد خودش توضیح داد: «این مدال پژوهشی است که من امروز از طرف همکارانم در دانشگاه تهران دریافت کردم. من به خاطر دریافت آن مفتخر هستم و از فعالیت‌های پژوهشی کسانی که آن‌جا کار می‌کنند، تشکر می‌کنم.»

آقای پروفیسور کاستلز روز ۴ خردادماه تهران را ترک کرد، ضمن این‌که در این سفر، قطعاً تصورش در مورد ایران بسیار متحول شد. ایشان هنگام بازگشت به کشورش اظهار داشت که خیلی دوست دارد، باز هم در آینده به ایران برگردد و اطلاعات بیش‌تری در مورد کشورها، خصوصاً در مورد فعالیت

رسانه‌ها و نقش زنان در رسانه‌ها، به دست آورد؛ چون به نظر وی، زنان و رسانه‌ها نقش‌های مهمی در کشورهای درحال توسعه ایفا می‌کنند.

این پروفیسور ۶۴ ساله که تا دهه‌ی قبل، از نگاه یک مارکسیست اروپایی و به‌خصوص متأثر از لویی آلتوسر، آکن تورن و نیکوس پولاتراس، به عالم و آدم نظر می‌کرد، در سه‌گانه‌ی تازه‌ی خود، «ظهور جامعه‌ی شبکه‌ای، قدرت هویت و پایان هزاره»، با رویکردی نو، جامع‌ترین مجموعه‌ی تحلیلی و در عین حال سرشار از داده‌های اطلاع‌بخش را در خصوص روندهای جاری و آتی تحولات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در نقاط گوناگون جهان فراهم آورده است. کاستلز، جلد نخست از تألیف پرحجم خود را، به بحث درباره‌ی جامعه‌ی شبکه‌ای که آن را یکی از ویژگی‌های سرمایه‌داری متکی به اطلاعات به‌شمار می‌آورد، اختصاص داده است. در جلد دوم، با عنوان «قدرت هویت»، نویسنده به بررسی پدیده‌های مهمی همچون تضعیف موقعیت حکومت‌های ملی، بحران هویت در سطوح فردی و ملی، و ظهور جنبش‌هایی مانند فمینیسم و دفاع از محیط‌زیست می‌پردازد. سومین جلد مجموعه، «پایان هزاره»، به بررسی سقوط شوروی، شکست اقتصاد دولتی و متکی به برنامه‌ریزی متمرکز، ناتوانی نظام صنعتی دولت‌سالار برای ورود به عصر اطلاعات، و نیز پدیدار تکان‌دهنده‌ی حذف و طرد افراد و اقوام جامعه‌ی شبکه‌ای، سرنوشت غم‌انگیز کودکان در نظام بهره‌کشی بین‌المللی، نقش مافیای اقتصادی در صحنه‌ی جهانی، مبانی فرهنگی و سیاسی ظهور منطقه‌ی جنوب شرقی آسیا به‌عنوان یکی از بازیگران اصلی عصر اطلاعات و فرایند جهانی شدن، و نیز

● مهم ترین عامل در توسعه،

کیفیت یا ویژگی

حکومت یا دولت است.

حکومت باید سالم و کارآمد

باشد و به نیازهای مردم

توجه کند.

● من معتقدم، ایران این

پتانسیل را دارد که

بهترین راه توسعه را

پیدا کند

تناقضات درونی جامعه‌ی اروپا که مانع از تحقق وحدت این نهاد شده است، می‌پردازد. استدلال اصلی کاستلز در سه‌گانه‌ی عصر اطلاعات آن است که همه‌ی جهان جدید به صورت یک شبکه درآمده است؛ شبکه‌ی هستمندی که بافت اصلی و تار و پود آن را اطلاعات و نظام ارتباطات الکترونیک تشکیل می‌دهد.

کتاب کاستلز، در عین تصویرنگران‌کننده‌ای که از تحولات جاری ترسیم می‌کند، از پیام امید برای گروه‌های اجتماعی گوناگون، و در رأس آنان برای روشنفکران مسؤول، خالی نیست. بر مبنای تحلیل استاد کاتالانی الاصل، در عین آن که در جهان شبکه‌ای، گرایش به سمت ایجاد یک دوقطبی از نخبگان فن سالار و خیل پردشدگان محروم از مواهب فناوری است، چون ماهیت جهانی که در حال شکل‌گیری است، اساساً ماهیتی فرهنگی است، حاملان فرهنگ علی‌الاصول می‌توانند، بالاترین سهم و نقش را در تحولات آتی ایفا کنند.

فرهنگ، نظیر هر پدیدار دیگری، می‌تواند واجد خصلت رشددهندگی و

کمال‌بخشی معنوی و معرفتی باشد و یا به‌عکس، نقشی تخریب‌کننده و انحطاط‌آفرین ایفا کند. در غیاب توزیع معرفت، خطر سلطه‌ی قدرت‌های مافیایی افزایش می‌یابد. اما توزیع معرفت نیز می‌باید با ترویج این آموزه‌ی نقادانه که یادگار پروژه‌ی روشنگری کانت است، همراه شود که برای مسائل بشری راه‌حل‌هایی که به طور مطلق کارساز باشند، وجود ندارد. در جهانی که همه‌ی اجزای آن سیال، متغیر و درحال تحول مدام است، مهم آن است که شرایطی فراهم شود تا همه‌ی کنشگران اجتماعی، جرأت دانستن پیدا کنند. به بلوغ معرفتی دست یابند و از رهگذر آن، به این نکته آگاهی پیدا کنند که با کاربرد نقادانه‌ی معرفت، احیاناً خواهند توانست به راه‌حل‌هایی خرسندکننده‌تر دست یابند.

کاستلز علاوه بر سه‌گانه‌ی عصر اطلاعات، آثار پرشمار دیگری در حوزه‌ی تغییرات اجتماعی بر پایه‌ی فناوری‌های نوین دارد. او نویسنده‌ی این کتاب‌هاست: «یک پرسش شهری» (۱۹۷۲)، «فناوری برتر، فضا و جامعه» (۱۹۸۵)، «شهری اطلاعاتی» (۱۹۸۹)، «شهرهای اروپایی، جامعه‌ی اطلاعاتی و اقتصاد جهانی» (۱۹۹۴)، «فناوری‌های جهان، معماری پیچیدگی‌های صنعتی قرن بیست و یکم»، «با همکاری پیتر هال (۱۹۹۴)، و «جامعه‌ی شبکه‌ای» (۱۹۹۶).

مانوئل کاستلز که اکنون یکی از مشهورترین دانشمندان علوم اجتماعی است و در نمایه‌ی ارجاعات علمی از بالاترین رتبه‌ها برخوردار است، زندگی پرفراز و نشیبی را در عرصه‌ی سیاست و اجتماع پشت سر نهاده است. او که از فعالان جنبش ضد دیکتاتوری فرانکو بود، خود در گفت‌وگو با مارتین اینس

می‌گوید: «علاقه‌ی اصلی من به ادبیات و تأثیر بوده است. من برنده‌ی چند جایزه‌ی دانشجویی و دانشگاهی در زمینه‌ی ادبیات و تئاتر شدم، اما در فضای خفقان دوران فرانکو، حتی ابراز و بیان هنری نیز آدم را گرفتار پلیس سیاسی می‌کرد. بنابراین، پس از این که آن‌ها نشریه‌ی ما را بستند و نمایش‌های ما را سانسور کردند، من دست کشیدم و در سال ۱۹۶۰، وقتی هجده ساله بودم، وارد مبارزه‌ی مخفی شدم... هیچ وقت به فکر حرفه‌ی دانشگاهی نبودم. می‌خواستم وکیل شوم تا از کارگران و جنبش‌های عدالت‌خواه دفاع کنم، اما می‌خواستم نویسنده هم باشم.»

کاستلز از دست‌اندرکاران جنبش دانشجویی ماه مه ۱۹۶۸ فرانسه بود که در عالم اندیشه‌ی سیاسی، از لویی آلتوسر، آلن تورن و نیکوس پولاتراس نیز بهره‌برده است. او از دستیاران نزدیک فرناندو کاردوزو، نظریه‌پرداز به نام توسعه است که در سالیان اخیر، عهده‌دار ریاست جمهوری برزیل شد. در عین حال، آنچه در سیر تفکر کاستلز حائز اهمیت است، تلاش مستمر او در نوآوری و برخورداری از اندیشه‌ی مستقل و جامع است. گستردگی علاقه‌ها، تجربه‌ها و دانش کاستلز موجب شده است، شهرت او گسترده‌ای فراتر از عرصه‌های آکادمیک را که سرانجام کاشانه‌ی همیشگی او شده است، فراگیرد. کاستلز اکنون در میان مدیران صنعتی و اقتصادی، سیاستمداران، فعالان سازمان‌های غیردولتی و اتحادیه‌های کارگری، روزنامه‌نگاران و دست‌اندرکاران حوزه‌ی افکار عمومی، به همان میزان مطرح است که در حوزه‌های نظری و عملی، و همین به او موقعیتی ویژه در نظریه‌پردازی نوین داده است.